

**حدیث روز:**  
امام رضا (ع)؛ از نشانه‌های دین فهمی، حلم و علم است. و خاموشی دری از درهای حکمت است. خاموشی و سکوت، دوستی آور و رهنمای هر کار خیری است.

**پلک احساس:**  
مکان‌هایی‌مکان‌گردین‌رمزین‌هاجمه‌کان‌گردد چو عشق او دهد تشریف دیر که لحظه دایری را

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۳/۱۰  
اذان مغرب: ۲۰/۴۱  
اذان صبح (فردا): ۴/۱۸  
غروب آفتاب: ۲۰/۲۰  
نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۹  
طلوع خورشید(فردا): ۶/۱۱

**پیش‌بینی آب و هوا پنج‌شنبه**



۳۵ / ۲۵



۴۷ / ۲۹



۳۰ / ۱۸



۳۵ / ۲۱



۳۹ / ۳۰



۳۶ / ۲۵



۳۰ / ۲۲



۳۴ / ۲۲

رَ، این روزها دل خیلی‌ها هوای حرم امام رضا(ع) را دارد؛ آنهایی‌که می‌دانند این حرم و آستان امام رثوف چگونه دل‌ها را آرام می‌کند، به‌خصوص وقتی که بیرون ناآرام است و همه‌چیز خلق آدمی را تنگ می‌کند. تا قبل کرونا که حرم شبانه‌روز باز بود، آنهایی‌که ساکن مشهد هستند هر زمان‌که هوای آقا را می‌کردند راهی حرم می‌شدند؛ اما دوری راه هیچ‌وقت زائری را از راه بازنداشت. چند ماهی است اما کرونا آمده و محدودیت‌هایی را با خودش آورده. باید به ملاحظات بهداشتی توجه کرد که حضرت‌رضاع(ع) خودش دانشمند بوده و علما را عزیز می‌داشته و اکنون هم راضی نیست سلامت عاشقانش به‌خطر بیفتد.

اما عاشق همیشه راهی برای رسیدن به معشوق پیدا می‌کند، مناسبتی ، روزی، حسی و حالی. یکی از این مناسبت‌ها، همین امروز است، ۲۳ ذی‌القعدة که بنا به روایتی روز شهادت امام رضا(ع) است و به نام روز زیارتی امام هشتم (ع) نامگذاری شده‌است. برای این روز دعایی در نظر گرفته‌شده که دل‌های مشتاق امام را آرام می‌کند و با خواندن آن می‌توان زیارت را حتی از راه دور هم تجربه کرد و آن‌دعا این است:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی عَلِيٍّ بْنِ مُوسٰی الرِّضَا المُرْتَضٰی

اَلْاِمَامَ التَّقِيَّ النَّقِّيَّ وَخَجِّتْکَ عَلٰی مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ خِثَّ التُّرَى الصِّدِّیْقَ الشَّهِیدَ صَلَوةً کَثِیْرَةً تَامَّةً زَاکِیَّةً مُتَوَاصِلَةً مُثَوِّاِتَةً مُثَرَادَةً کَاثِفَةً مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِکَ

خدا دارود فرست بر علی‌ن موسی‌الرضا آن امام

پسندیده با تقوای پاک و جهت تو بر هر که روی

## التماس دعای «مخصوص»

زمین و هر که در زیرزمین است آن راستگوی شهید درودی بسیار و تام و تمام و پاکیزه و پیوسته و پی‌در پی و دنبال هم مانند بهترین درودی که می‌فرستی بر یکی از دوستان.

#### زیارت از طلوع تا غروب

آستان قدس رضوی برنامه‌هایی برای امروز در نظر گرفته‌است. حجت‌گنابادی نژاد، معاون تبلیغات حرم مطهر رضوی در باب برنامه‌های روز زیارتی حضرت رضا(ع) گفت: همزمان با ایام زیارتی ماه ذی‌القعدة سه نوبت قرائت زیارت جامعه کبیره پس از طلوع آفتاب قبل از نماز ظهر و قبل از نماز مغرب پیش‌بینی شده و اجرا می‌شود. برنامه‌ها در دو نوبت قبل از ظهر و بعد از مغرب به صورت ترکیبی (سخنرانی و مداحی) تنظیم شده که قبل از ظهر در رواق امام بدون حضور زائر انجام می‌شود و از تلوپزیون‌های بزرگ حرم مطهر صدا و تصویر پخش می‌شود و در نوبت مغرب در صحن جامع خواهد بود.

این برنامه‌ها بر اساس دستورالعمل‌های بهداشتی با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی است و در شب چهارشنبه که شب زیارتی و به روایتی شب شهادت امام رضا علیه‌السلام است نیز دعای توسل ساعت ۲۳ با حضور استاد رضا قانع برگزار خواهد شد. در بخش بین‌الملل، دعای توسل اردو زبان‌ها ساعت ۲۱ در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و آذری زبان در اینستاگرام نیز به اشتراک گذاشته می‌شود تا مردم بتوانند از ظرفیت‌های مختلف برای بهره‌وری از فضای معنوی حرم مطهر در این شب و روزها بهره‌مند شوند.

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روح... رجایی</p>	
<p>■ شماره: ۳۶۳۷- ISSN۱۷۳۵ ■ پایگاه اطلاع‌رسانی: ■ پست الکترونیکی: ■</p> <p>www.jamejamdaily.ir</p> <p>info@jamejamdaily.ir</p>	<p>تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹ ■ تلفن: ۰۲۱- ۲۲۰۴۰۰۰ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲ ■ سازمان شهرستان‌ها: ۰۲۱- ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱- ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ پیامک: ۳۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۲۴ ■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)</p>
<p>چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹   ۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۱   ۲۱ صفحه   سال بیست و یکم - شماره ۵۷۰۶   استان تهران و البرز ۲۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان   Wednesday - July 15, 2020</p>	

**پیش‌بینی آب و هوا پنج‌شنبه**



۳۵ / ۲۵



۴۷ / ۲۹



۳۰ / ۱۸



۳۵ / ۲۱



۳۹ / ۳۰



۳۶ / ۲۵



۳۰ / ۲۲



۳۴ / ۲۲

#### یک روز خاص

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار در باب شهادت امام رضا (ع) نقل کرده که برخی معتقدند آن حضرت در روز ۲۳ ذی‌القعدة به شهادت رسیده‌است اما در جامعه ما روز آخر ماه صفر به عنوان روز شهادت ایشان مطرح است. ۲۳ ذی‌القعدة روز زیارتی مخصوص ایشان نامیده شده تا مردم با توجه به ذات آن حضرت، به نقشی که ایشان در ایجاد مدینه رضوی داشتند پی ببرند.

امام رضاع(ع) با آمدن به سمت مرو، یک مدینه دوم برای نشر معارف اسلامی ایجاد کردند که به اصطلاح مدینه رضویه گفته می‌شود. تا مردم این معنا را در نظر بگیرند و نسبت به زحمات ایشان حالت شکر داشته‌باشند. البته شاید این عنوان را مطرح کرده‌اند تا در این روز مخصوص به وجود مبارک امام رضا (ع) بیش از پیش توجه کنیم. مجلسی همچنین با اشاره به تقارن روز دیگر زیارتی امام رضا (ع) ۲۵ ذی‌القعدة با روز دحوالارض می‌گوید: بزرگان دین بهترین اعمال را در این روز، زیارت امام‌رضاع(ع) می‌دانند.

ایشان در ادامه آداب زیارت اضافه کردند ابتدا غسل زیارت کرده و پس از ادای نماز واجب، رو به جانب حضرت رضاع(ع) بگردانید و زیارت امین... را قرائت کنید و در قسمت اسماء نام امام رثوف را به جای امیرالمومنین ذکر کنید. همچنین از صلوات خاصه حضرت رضاع(ع) و از ادعیه معتصر که در مفاتیح ذکر شده غفلت نشود تا این‌اشاء... متقابلا حضرت رضاع(ع) برای شما دعا کنند. ]



**گفت‌وگو با محمدرضا وحیدزاده، شاعر**

### اربیعین را از امام رضا (ع) هدیه گرفتیم

آی‌ن شاعر درباره اولین مواجهه‌اش با حرم امام‌رضاع(ع) و خاطره‌ای که از زیارت به‌یاد دارد، می‌گوید: رفتن به زیارت امام‌رضا(ع) یکی از کارهایی بود که پدرم باب‌کرد. از بچگی و از زمانی که یادم می‌آید باید حداقل سالی یکبار به زیارت می‌رفتیم. پدرم شغل آزاد داشت و چنین نبود که درآمدش همیشگی و تقریبا ثابت باشد، با این‌همه زیارت سالانه برقرار بود. رسیدن به حرم بهترین فصل این سفرها بود. بچه بودم و کنار پدر و مادر لذتی داشت در چوار امام‌رضا(ع). بچه بودیم و صحن‌ها بزرگ و ماین اجازه را داشتیم که با بچه‌های زائران دیگر بازی کنیم. پدر و مادر هم کاری به بازی ما نداشند. شاید به همین دلیل است که تجربه خوشی از زیارت در ذهنم نمانده و الان که خودم پدر دوفرزند هستم هر زمان به زیارت می‌رویم تلاش می‌کنم بچه‌هایم همان حس خوب را تجربه کنند. از وحیدزاده می‌پرسم، کدام وقت حرم را بیشتر دوست دارید؛ روز یا شب؟



آی‌ن خورشیدی‌غروب خراسانمان سلام یا حضرت رثوف، شه‌مهربان سلام وقتی ز سمت مشرق تا ن عشق می‌وزد گل می‌کنده‌رآینه بر هر دهان سلام آنچه خواندید بخشی از شعر محمدرضا وحیدزاده است برای امام رضا(ع). شاعران اهل بیت بر این باورند که شعر گفتن برای معصومین(ع) توفیق می‌خواهد؛ همان‌گونه‌که زیارت ایشان توفیقی است که باید نصبت شود. با این شاعر در روز زیارتی امام رضا(ع) هم صحبت شدیم تا از حال و هوای «امام‌رضا» یش بگویم. وحیدزاده می‌گوید: یادم هست، مدتی بود که به دلایلی توفیق نشده بود به زیارت امام رضا(ع) بروم. وقتی اسباب زیارت و سفر به مشهد مهیا شد، آتقدیر ذوق‌ده بودم که از همان زمانی که شروع به بستن چمدان کردم، کلمات هم در ذهنم چیده شد و این شوق تا راه‌آهن و بعد تا رسیدن به مشهد ادامه یافت و این شعر را نوشتم.

**امروز در تاریخ:**

- روز زیارتی امام‌رضا(ع)
- آغاز هفته بهزشتی/ روز تأمین اجتماعی
- استعفای دکتر مصطفی از نخست‌وزیری (۱۳۳۱ش)
- شکست حملات ارتش بعث عراق در سومار (۱۳۶۷ش)
- درگذشت روح‌الداشی قوی‌ترین مرد ایران (۱۳۹۰ش)

**حکمت ۱۹۷:**

آی‌ن این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.



**خال قرمز**

همه عشقش خلاصه شده بود در این که صبح به صبح برود در گنجبه کبوترهایش را باز کند و با چوب نشان، کیش بدهد روی بام و پاشوی قلمی‌هایش را ببیند و کیف کند، بعدش بسپارد کارگرا صندلی و چایش را بیاورند و بگذرانند کف پشت‌بام و تا بعد از ظهر پیر زدن کبوترهایش را تماشا کنند. بین همه اینها، خال قرمز از همه بیشتر دلش را می‌برد. خال قرمز از همان جوجگی در همین گنجه‌های خودش پا گرفته و اولین آسمان را از همین بام تجربه کرده بود. می‌نشست روی صندلی و چای می‌نوشید و از خال‌های سیاه و سفید آسمان که کبوترهایش ساخته بودند، کیف می‌کرد. دستگیر و سفره‌دار بود، اما خیلی وقت بود سرش را سمت قبله به خاک برنشانده بود. خانه‌اش خیلی هم نزدیک حرم امام رضا(ع) نبود، اما از پشت‌بام می‌شد گنبد و گلدسته حرم را دید. گاهی وقت‌ها که از صندلی پشت بام بلند می‌شد و سر به هوا خال‌های سیاه و سفید کبوترهایش را می‌پایید و سر می‌چرخاند، گوشه نگاهش به حرم می‌افتاد، اما خیلی وقت بود از در صحن حرم امام رضا داخل نشده بود. زندگی‌اش تاحدی که حقوق سر ماه چند کارگر عائله‌مند را بدهد و خود و خانواده‌اش هم در رفاه زندگی کنند، تأمین بود. روزها را همین‌طور روی بام و غرق ذوق پیر زن خال قرمز و هم پروازهایش می‌گذراند که یک روز صبح خال قرمز از بام بلند شد و بعد از ظهر برگشت. مرد مثل مرغ بسمل روی بام این و رو آن و می‌رفت و هر کاری از دستش بر نمی‌آمد. چند روز گذشت و هر روز به امید برگشتن خال قرمز در گنجه‌ها راباز کرد و روی بام نشست، اما خال قرمز رفته بود. مرد که کم‌کم افسرده شد و دیگر کمتر به پشت‌بام می‌آمد. تا این که یک بعد از ظهر نا امید روی پشت‌بام ناشسته بود و مثل چند روز قبلیش با کسی حرف نمی‌زد که ناگهان چشمش به لب بام افتاد و برق زد. خال قرمز برگشته بود. با اشتیاق از جاپرید و خال قرمز را گرفت و به سینه چسباند و همین‌طور که گریه می‌کرد چشمش از روی بام افتاد به گنبد و گلدسته حرم امام رضا و نم‌نم گریه‌اش هق هق شد. پسرش رسید کنارش و دلیل این همه بی‌قراری و گریه را پرسید. مرد گفت: این کبوتر بعد از چند روز برگشته من این قدر خوشحالم. من اگر بعد چند سال برگردم، امام‌رضا چقدر خوشحال می‌شود.

**پانوشته نام شخصیت این روایت واقعی به دلیل نداشتن اجازه از ایشان در متن برده نشده‌است.**

### ما یتیم‌های دورمانده از مشهد

آی‌ن یک: خاطره‌ها قابلیت دارند

استخوان‌های آدم را خرد و خاکشیر کنند. همین کفایت می‌کند که فکرت را پرت کنی به فلان سمت و فلان جا؛ تا در یک لحظه همه وجودت، زمان و مکان را بزند کنار و باز هم همان جا بایستی که ذهن پرتاب شده‌ات برایت تصمیم گرفته است. آدم چه می‌داند همین دم و بازدم‌هایی که دارد می‌گذرد، ممکن است روزی شیرین‌ترین یا تلخ‌ترین همین خاطره‌ها بشوند. شاید ما دقیقاً همین الان اواسط رقم خوردن یک جریانیم که بعدها یادآوری‌اش، نفس‌هایمان را عمیق می‌کند.

حالا این روزها با کرونا، بازار خاطره‌سازی و خاطره‌بازی گرم‌تر است. دارم فکر می‌کنم به ۲۵ بهمن ماهی که برای آخرین بار کت و شلوار خدمت تنم بود و بعد از کشیک، رفته بودم پایین پای حضرت رضا ایستاده بودم و می‌گفتم و اشک می‌ریختم. خاطره‌ها، استخوان‌های آدم را خرد می‌کنند.

**دو:** هر کس هر کاری که داشت، انجام می‌داد که به سفر برسد. یک قانون نانوشته بین همه وجود داشت که تا یکی دو روز مانده به موعد، کارهایش را شسته‌رفته کرده باشد. یکی دنبال امضای مرخصی بود؛ یکی دستی



محمد لطیفنویسنده

جا بایستی که ذهن پرتاب شده‌ات برایت تصمیم گرفته است. آدم چه می‌داند همین دم و بازدم‌هایی که دارد می‌گذرد، ممکن است روزی شیرین‌ترین یا تلخ‌ترین همین خاطره‌ها بشوند. شاید ما دقیقاً همین الان اواسط رقم خوردن یک جریانیم که بعدها یادآوری‌اش، نفس‌هایمان را عمیق می‌کند. حالا این روزها با کرونا، بازار خاطره‌سازی و خاطره‌بازی گرم‌تر است. دارم فکر می‌کنم به ۲۵ بهمن ماهی که برای آخرین بار کت و شلوار خدمت تنم بود و بعد از کشیک، رفته بودم پایین پای حضرت رضا ایستاده بودم و می‌گفتم و اشک می‌ریختم. خاطره‌ها، استخوان‌های آدم را خرد می‌کنند.



به رخ بکشیم در مشهد بودنمان را. شاید از درون، یک نفر خط می‌داد که به همه بگو حال خوبت، نمک دست امام رضاست. ما ناخودآگاه، کبوتر جلد حرم امام رضا بودیم.

**چهار:** حسرت، نفس عمیق و بغض، سه‌گانه جنون این روزهای ماست. ما که تا دلمان می‌گرفت، خودمان را پای ضریح می‌دیدیم، ما که از هر جا رانده و مانده بودیم، مشهد برایمان پناه بود، ما که همه کارهایمان را می‌کردیم که شب و روز زیارت مخصوص، جامعه‌کبیره را توی گوهرشاد بخوانیم، حالا با ماسک و دستکش می‌شود توی ظهر خرماپزان مرداد، یکی باید باشد که دیدنش، شانه‌های خسته روح آدم را زیر دست‌هایش فشار بدهد و دستی بکشد روی سرت؛ که باز هم اگر دلت پر بود بیا.

ما آدم‌های معمولی‌دربار، هروقت دلمان می‌خواست بترکم، می‌پریدیم توی قطار و اتوبوس به مقصد پایین پای سلطان و گوئی‌گوئی خستگی‌هایمان را همان‌جا می‌گذاشتیم و طیب و طاهر برمی‌گشتیم سر خانه و

زندگی‌مان. مشهد رفتن، هم برایمان زیارت بود و هم سیاحت. وقتی برمی‌گشتیم خانه، قدرت سر ظهر یک نوجوان تازه بالغ، توی پاهای روحمان بود. انگار نه انگار که دلگیری بوده و دردی، اصلاً سرمان درد می‌کرد که